



تحليل ماده ۱۲۸ آيين نامه لايحه قانوني استقلال كانون وکلای دادگستری کانون وکلای دادگستری استان مرکزی

هوالوکیل

اخيرا آيين نامه جديد ديگري تحت عنوان آيين نامه اجرائی لايحه استقلال کانون وکلای به تصویب ریاست قوه قضایه رسیده و بحث ها و مناقشات متعددی پیرامون هریک از مواد آن مطرح گردیده که از آن جمله، ماده ۱۲۸ آيين نامه مذکور می باشد.

ماده معنون چنین اشعار داشته :

" وکلایی که حسب قانون اجازه وکالت در یک حوزه قضایی را ندارند، به هر شکل ممکن از هرگونه اقدام اعم از قبول وکالت برای مطالعه پرونده و یا به طور مشترک با سایر وکلای و کارآموزان و یا توکیل به غیر ممنوع هستند تخلف از این حکم مستوجب مجازات انتظامی درجه ۴ در نوبت اول و درجه ۵ در نوبت دوم و درجه ۶ در نوبت سوم است."

در این میان، برخی چنین برداشت نموده که لفظ وکلای در این ماده مطلق بوده و دلالت بر ممنوعیت تمام وکلای از هرگونه فعالیت وکالتی در محلی غیر از محل اخذ پروانه وکالت داشته و در صورت تخلف از این مقرره، متخلف به ترتیب تکرار، مستوجب محکومیت انتظامی درجه ۴، ۵، و ۶ می باشد.

حال آنکه برداشت مذکور به دلایل ذیل الذکر کاملاً مردود است:

اولاً مطلق لفظی است که فاقد قید اعم از لفظیه یا حالیه بوده، حال آنکه در ماده مبحث عنه، لفظ وکلای واجد قید لفظیه بدین نحو می باشد :

" وکلایی که حسب قانون اجازه وکالت در یک حوزه قضایی را ندارند"



تحلیل ماده ۱۲۸ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری کانون وکلای دادگستری استان مرکزی

لذا واضع ماده، با قید جمله " ... که حسب قانون اجازه وکالت در یک حوزه قضایی را ندارند" مانع اطلاق لفظ وکلا شدست، و چنانچه نظر بر اطلاق داشت، می بایست از لفظ مطلق " وکلا " استفاده می نمود و نه " وکلایی که " ...

ثانیا قانونا محدوده فعالیت وکلا بر اساس حوزه قضایی نیست بلکه براساس محل دریافت پروانه وکالت بوده، آنچنانکه مقنن نیز طی ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت بیان داشته :

" وکلا نمی توانند در غیر از محلی که برای آنجا پروانه وکالت دریافت کرده اند ... عملا فعالیت وکالتی خود را ... متمرکز نمایند..."

بنابراین قید لفظ " اجازه وکالت در یک حوزه قضایی" در ماده مبحث عنه، مانع انصراف حکم ماده بر وکلا به معنای اخص بوده، چراکه اگر غرض واضع منصرف بر وکلا به معنای اخص می بود، می بایست همانند ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه، بیان می داشت:

" وکلایی که حسب قانون اجازه وکالت در محلی غیر از محل دریافت پروانه را ندارند.."

ثالثا لفظ " اجازه وکالت " با لفظ " اجازه فعالیت" کاملا متفاوت است، آنچنانکه در هیچ کجای قوانین وکالتی، وکلا هیچ ممنوعیتی دال بر عدم اجازه فعالیت در محلی غیر از محل دریافت پروانه خود را ندارند!

به دیگر سخن، تمام وکلا اجازه فعالیت در تمام کشور را دارند لکن، وفق ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه، آنچه از آن ممنوع بوده، تمرکز فعالیت در محلی غیر از محل دریافت پروانه است و نه صرف فعالیت...

حال آنکه در ماده مبحث عنه، هیچ لفظی تحت عنوان " اجازه فعالیت یا اجازه تمرکز فعالیت" وجود نداشته تا اکنون بتوان، حکم ماده را ناظر به ممنوعیت صرف فعالیت وکلا در محلی غیر از محل دریافت پروانه بدانیم.



تحلیل ماده ۱۲۸ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری کانون وکلای دادگستری استان مرکزی

بنابراین لفظ "اجازه وکالت" قطعاً ناظر بر صرف فعالیت یا تمرکز فعالیت وکلا (به معنای اخص) نبوده و طبعاً می‌بایست به دنبال یافتن مخاطب واقعی این حکم رفت.

رباعاً با مذاقه در منطوق ماده ۱۲۸، به سه لفظ "حسب قانون" و "اجازه وکالت" و "حوزه قضائی" برخورد نموده که قطعاً واجد بار معنایی و اصطلاحی می‌باشند، انچنانکه این سوال متبادر می‌شود که کدام وکلا، حسب قانون، اجازه وکالت (نه فعالیت) در یک حوزه قضایی (نه محل دریافت پروانه) را ندارند؟!

با اندک تعمق در مقررات و قوانین، چنین مستفاد می‌شود که:

(۱) وفق ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه، وکلا صرفاً اجازه تمرکز فعالیت در محلی غیر از محل دریافت پروانه را ندارند و نه اجازه وکالت...

(۲) وفق تبصره ۴ ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه، آن کسی که حق یا اجازه وکالت در آخرین محل خدمت خود طی مدت معینی را نداشته، قضات هستند و نه وکلا به معنای اخص...

(۳) طبق قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، حوزه قضایی در اصطلاح حقوقی ناظر بر قلمرو دادرسی در یک مرجع قضایی یا دادگاه می‌باشد و نه ناظر به محدوده کانون‌های وکلا...

(۴) آن کسانی که محل خدمت آنها، قانوناً براساس حوزه قضایی تقسیم بندی شده، قضات و واجدین رتبه قضایی می‌باشند، حال آنکه محل خدمت وکلا، قانوناً براساس محل دریافت پروانه وکالت آنهاست و نه حوزه قضایی...

مع الوصف با عنایت به مستندات و استدلال‌های معروضه، اظهر من الشمس است که حکم ماده ۱۲۸ آیین نامه لایحه استقلال کانون وکلا، منصرف به قضات و واجدین رتبه‌های قضایی بوده و هیچ ارتباطی با وکلا به معنای اخص، ندارد.

حالی‌ه بعد از رفع ابهام صدرالذکر، این سوال مطرح است:



تحلیل ماده ۱۲۸ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری کانون وکلای دادگستری استان مرکزی

با دلالت حکم ماده ۱۲۸ آیین نامه بر قضات و واجدین رتبه قضایی، دیگر فلسفه وجودی تصویب ماده ۵۰ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا و تبصره ۴ ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه چیست؟!

برای پاسخ به این سوال می بایست به منطوق مواد مارالذکر، توجه نمود آنچنانکه ماده ۵۰ آیین نامه ل.ا.ک، اشعار داشته:

" قضات به مدت سه سال در آخرین محل خدمت خود حق وکالت به هر نحو ندارند. متخلف به ترتیب تکرار به مجازات های انتظامی درجه ۳ تا ۶ محکوم می شود."

همانطور که ملاحظه می فرمایید، ماده مذکور، صراحتاً از لفظ " قضات " استفاده نموده، آنچنانکه اگر یک قاضی که اکنون وکیل شدست، طی مدت سه سال در آخرین محل خدمت خود، به هر نحو وکالت نماید، متخلف و مستوجب مجازات درجه ۳ تا ۶ می باشد.

حال آنکه تبصره ۴ ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه اشعار داشته:

" کسانی که دارای رتبه قضایی بوده اند به مدت سه سال در آخرین محل خدمت خود حق وکالت نخواهند داشت. متخلف از این مقرر به ترتیب تکرار مستوجب مجازات های درجه ۳ الی ۶ خواهد بود."

متأسفانه برخی همکاران بدون توجه به منطوق مواد، تصور تعارض این ماده با مواد ۵۰ و ۱۲۸ آیین نامه و لزوم نسخ ماده فوق الذکر را نموده اند، حال آنکه با مذاقه در منطوق مواد معنون، این نکته مستفاد شده که ماده ۵۰ آیین نامه، صرفاً مختص به قضات بوده، حال آنکه تبصره ۴ ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه، منصرف به قضات نبوده و ناظر بر کسانی است که واجد رتبه قضایی می باشند اعم از بازپرس، دادیار، دادستان و قضات ...

بنابراین، تعارضی میان این دو ماده وجود نداشته و ماده ۵۰ آیین نامه با استعمال الفاظ " قضات / حق وکالت به هر نحو " صرفاً جنبه اختصاصی نسبت به قضات پیدا نموده، اگرچه از جنبه مجازات، هر دو ماده یکسان هستند.



تحلیل ماده ۱۲۸ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری کانون وکلای دادگستری استان مرکزی

حالیه به نظر میرسد دیگر، غرض واضع از نحوه نگارش ماده ۱۲۸ آیین نامه ل.ق.ا.ک مبنی بر " وکلایی که حسب قانون اجازه وکالت در یک حوزه قضایی را ندارند..." کاملاً مشخص شدست، آنچنانکه واضع مترصد آن بوده که این ماده را، هم ناظر بر قضاات و هم ناظر بر سایر واجدین رتبه قضایی شامل بازپرس، دادیار و دادستان تعرفه نماید. لذا حکم ماده ۱۲۸ آیین نامه، شامل تمام دارندگان رتبه قضایی اعم از قاضی، دادستان، بازپرس و دادیار می باشد.

اما...

نکته ای اساسی در ماده مذکور وجود داشته که عدم توجه بدان، موجب خلط حکم ماده ۱۲۸ آیین نامه با حکم ماده ۵۰ آیین نامه و تبصره ۴ ماده ۶ قانون کیفیت.ا.پ می گردد:

مقنن در تبصره ۴ ماده ۶ قانون کیفیت.ا.پ بیان داشته: دارندگان رتبه قضایی، در شرایطی، " حق وکالت " ندارند! متعاقباً واضع ماده ۵۰ آیین نامه بیان داشته: قضاات، در شرایطی "حق وکالت به هر نحو" ندارند!

لکن در ماده ۱۲۸ آیین نامه بیان شدست: " ... به هر شکل ممکن از هرگونه اقدام اعم از قبول وکالت برای مطالعه پرونده و یا به طور مشترک با سایر وکلا و کارآموزان و یا توکیل به غیر ممنوع هستند..."

همانطور که ملاحظه می فرمایید، واضع از لفظ " اعم از " استفاده نموده و نه از لفظ " از قبیل "، آنچنانکه لفظ "اعم از"، جنبه حصری و به معنای شامل بوده، حال آنکه لفظ " از قبیل " جنبه تمثیلی و به معنای همچون و همانند می باشد!

لذا در پاسخ به کسانی که تصور داشته، لفظ " ... به هر شکل ممکن از هرگونه اقدام..." افاده عام نموده و همه نوع اقدامات مشابه توسط وکیل را در برمی گیرد، می بایست بیان داشت:

اولاً اگر واضع نظر بر تمام انواع اقدامات مشابه وکیل می داشت، می بایست از لفظ " از قبیل " استفاده می نمود تا افاده تمثیل و عدم حصر نماید!



تحلیل ماده ۱۲۸ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری کانون وکلای دادگستری استان مرکزی

ثانیا واضح بلافاصله بعد از جمله عام "...به هر شکل ممکن از هر گونه..."، محدوده این عام بودن را با استعمال لفظ "اعم از"، محصور و شامل صرفا قبول وکالت برای مطالعه پرونده از طریق مشترک با سایر وکلا یا کاراموزان یا توکیل غیر دانسته است.

براین اساس ماده ۱۲۸ آیین نامه، محصور به ممنوعیت هرگونه اقدام به قبول وکالت برای مطالعه پرونده از طریق مشترک با سایر وکلا و کارآموزان و یا توکیل به غیر بوده و ماده ۵۰ آیین نامه و تبصره ۴ ماده ۶ قانون کیفیت. ا.پ ناظر به سایر اقدامات وکالت توسط دارندگان رتبه قضایی می باشد.

برای سهولت در فهم تحلیل فوق، مثالی عرض می شود:

چنانچه بازپرسی که وکیل شدست در آخرین محل خدمت خود طی سه سال، اقدام به وکالت برای غیر نماید، مشمول تخلف و مجازات تبصره ۴ ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه می باشد.

ولیکن چنانچه همین بازپرس با شرایط فوق، اقدام به قبول وکالت برای مطالعه پرونده نماید، مشمول تخلف و مجازات ماده ۱۲۸ آیین نامه می باشد.

حال چنانچه یک قاضی که وکیل شدست، در آخرین محل خدمت خود طی مدت سه سال، اقدام به وکالت برای غیر نماید، مشمول تخلف و مجازات ماده ۵۰ آیین نامه می باشد.

ولی اگر همین قاضی با شرایط فوق، اقدام به قبول وکالت برای مطالعه پرونده نماید، مشمول تخلف و مجازات ماده ۱۲۸ آیین نامه می باشد.

اگرچه فلسفه تدوین این ماده و نحوه نگارش آن، برای نگارنده نیز قدری عجیب بود، آنچنانکه در نگاه اول چنین به نظر می رسد که مگر می شود بدون حق وکالت هم، مطالعه پرونده نمود! پس اگر کسی حق وکالت نداشته یعنی



تحلیل ماده ۱۲۸ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری کانون وکلای دادگستری استان مرکزی

تبعاً نمی تواند اقدام به مطالعه پرونده نیز نماید. لذا لزومی به تفکیک تخلف " قبول وکالت برای مطالعه پرونده " از تخلف " حق وکالت ندارد " نبوده و نگارش ماده ۱۲۸، امری عبث بوده است!

وانگهی درجه مجازات در ماده ۱۲۸ آیین نامه (درجه ۴،۵،۶)، نسبت به درجه مجازات در ماده ۵۰ آیین نامه و تبصره ۴ ماده ۶ قانون کیفیت. ا.پ، (درجه ۳،۴،۵،۶) شدیدتر شده است، چراکه طبق مبانی حقوقی، اگر قانونی حداقل مجازات عملی را افزایش دهد، این قانون خفیف نبوده بلکه تشدید می محسوب می شود!

ولیکن به نظر میرسد واضح این مقرر، قائل به دلایل ذیل بوده :

الف) حق قبول وکالت با حق وکالت، عرفاً دو مفهوم متفاوت است، آنچنانکه حق وکالت دلالت بر آن داشته که وکیل در محکمه برای موکل وکالت و دفاع نماید و نه اینکه صرفاً قبول وکالت کند، حال آنکه حق قبول وکالت، لزوماً به معنای وکالت و دفاع نمودن برای موکل نبوده، بلکه می توان بدون وکالت و دفاع نمودن برای موکل، پرونده او را، صرفاً با قبول وکالت مطالعه نمود.

براین اساس، لفظ " حق وکالت ندارد " در تبصره ۴ ماده ۶ قانون کیفیت. ا.پ و ماده ۵۰ آیین نامه، عرفاً دلالت بر حق وکالت و دفاع نداشتن برای موکل است و نه حق قبول وکالت.

علت وجود این تفسیر از لفظ مذکور در مواد معنون، گویا تمسک متخلف به اصل تفسیر به نفع متهم در امور انتظامی همچون امور کیفری است، آنچنانکه وقتی شخص متخلف صرفاً اقدام به قبول وکالت برای مطالعه پرونده می نمود، تحت پیگیری انتظامی قرار می گرفت، لکن متخلف در مقام دفاع چنین استدلال می نمود که لفظ " حق وکالت ندارد " ناظر به وکالت نمودن برای موکل است و نه صرفاً قبول وکالت برای مطالعه پرونده، و پشتوانه این تفسیر را نیز، اصل تفسیر به نفع متهم تعرفه می نمود.

ب) واضح با تشدید مجازات قبول وکالت برای صرف یک مطالعه پرونده، گویا به دنبال ایجاد نوعی بازدارندگی وکیل از پیشروی تا مرحله وکالت نمودن برای موکل در محکمه بوده است! چراکه مطالعه پرونده، اصولاً از مقدمات



تحلیل ماده ۱۲۸ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری کانون وکلای دادگستری استان مرکزی

حرفه ای و کالت و دفاع نمودن از موکل بوده و ممکن است شخص متخلف، با این توجیه که مطالعه پرونده، صدق و کالت ننموده، با قبول و کالت برای مطالعه پرونده، مترصد دور زدن قانون گردد.

بنابراین، بدین جهت که لفظ " حق و کالت ندارد" در تبصره ۴ ماده ۶ قانون کیفیت.ا.پ و ماده ۵۰ آیین نامه، ناظر بر حق و کالت نمودن برای دفاع از موکل بوده و نه لزوماً به معنای حق قبول و کالت برای مطالعه پرونده، از این رو واضح دست به تدوین ماده ۱۲۸ آیین نامه جهت تخلف انگاری عمل قبول و کالت برای مطالعه پرونده زده است.

علی ایحال، علی رغم ایرادات اساسی و بسیاری که به برخی مواد آیین نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلا و نحوه تنظیم آن توسط قوه قضاییه، اسکودا و کانون وکلای دادگستری مرکز واردست، ولیکن صرفاً در مقام رفع ابهام از مواد ۵۰ و ۱۲۸ آیین نامه مذکور که منجر به نگرانی و ایجاد دغدغه ناشیه از سوءبرداشت برخی وکلای محترم از مواد معنون بوده، اقدام به بررسی و بحث پیرامون مبحث عنه گردید.

شهر نجفی

وکیل پایه یک دادگستری